

تسبیح در شرعیت اسلامی

دیپازین: الحاج محمد شاه (پیمان) سویدن



Ketabton.com

۱۳۹۷



www.masjed.se

تتبع ونگارش :
الحاج امین الدین « سعیدی - سعید افغانی »
مدیر مرکز مطالعات ستراتیژیکی افغان
و مسؤل مرکز فرهنگی د حق لاره - جرمنی

بسم الله الرحمن الرحيم تسبیح در شرعیت اسلامی

کلمه تسبیح در زبان عربی به الفاظ (سُبْحَه و مُسَبِّحَه) ذکر گردیده است. تسبیح، یا سبحة، عبارت از، دانه‌های نباتی، ودانه‌های سنگی و یا دانه‌های شیشه است که مسلمانان توسط آن بعد از ادای نماز و یا هم در وقت‌های مختلف مصروف ذکر پروردگار خویش میگردند، و برخی هم در مساجد تعداد اذکار خویش را بر آن می‌شمارند.

خواننده محترم!

میخواهم درین نوشته و موضوعات را در مورد اینکه اولین بار تسبیح توسط کدام انسانها مورد استفاده قرار گرفته؟ تسبیح چگونه به ادیان آورده و مروج شد؟ مسلمانان از کجا به تسبیح رو آوردند؟ و اینکه استعمال تسبیح برای اذکار از روش پیامبر بزرگوار اسلام محمد مصطفی صلی الله علیه وسلم میباشد و یا اینکه استعمال تسبیح در دین مقدس اسلام بدعت است طوری که برخی از علمای اسلام بدان عقیده دارند؟ مورد بحث قرار دهم.

تاریخچه تسبیح:

در مورد اینکه تسبیح توسط کدام یکی از مردمان جهان برای کدام هدف و منظور اختراع و مورد استفاده قرار گرفته است، اطلاعات دقیق و همه جانبه در نوشته محققین و مؤرخین در دست نیست، اما در نوشته‌های برخی از علماء و نویسندگان و محققان، بر این امر تاکید شده است که تسبیح ظاهراً در بسیاری از تمدنهای گذشته و قدیم وجود داشته و انسانها معمولاً از آن وسیله‌ای برای ثبت اعداد، روزها، هفته‌ها و ماه‌ها مورد استفاده قرار میدادند.

محققان مینوسند که: تا آنجای که بشریت میداند تسبیح در بسیاری از جوامع قدیم مانند یونان، روم، مصر و هند از تسبیح برای نگهداشت روزهای تاریخی و جشن‌های ملی و دینی و در برخی از اوقات برای طلسم و تعویذ و وسیله تفال و تزین، یا نشانه ورود به مرحله‌ای خاص در ادیان مورد استفاده قرار میگرفت.

حتی برخی از محققان در مورد تسبیح مینوسند که از تحقیقات بدست آمده طوری معلوم میشود که در برخی از کشور های افریقا مرکزی زنان حامله دار از تسبیح برای شمردن روزه و ماه‌ها حمل، و مدت حمل خویش استفاده بعمل می‌آوردند و به اصطلاح از تسبیح برای حساب و محاسبه زمان حمل داری استفاده میکردند.

اما با گذشت زمان و تحول و پیشرفت حتی همین مردمان از وسیله تسبیح در امور حمل ازدواج کمتر و محدود استفاده بعمل آورده و امروز تسبیح نه بحیث وسیله‌ای ماشینی حساب بلکه تسبیح، بیشتر در امور دینی و مذهبی عبادات و اذکار مورد استفاده قرار میگیرد.

اگر تاریخ ادیان را در بخش اذکار و ادوار مورد مطالعه قرار دهیم، در خواهیم یافت که، اکثراً پیروان ادیان در اجرای مراسم و عبادات دینی و مذهبی خویش از دانه‌های تسبیح و یا سنگ ریزه‌های مشابه به دانه‌های تسبیح، استفاده بعمل آورده اند.

اکثریت نویسندگان و محققان که در مورد تاریخچه تسبیح تحقیقات نموده اند مینویسند: که کهن‌ترین سند مکتوب مربوط به استفاده از تسبیح، در متون و ادبیات هندی بطور آشکارا به نظر میرسد که به رواج استفاده از تسبیح میان برهنها اشاره می‌کند.

در فلسفه بودا، هر بودایی با در دست داشتن تسبیح به مثابه جزئی از کل و دانه های مهره‌های کنار مهره‌های دیگر رشته‌ای را تشکیل می‌دهد که نهایتاً به زعم شان به بودا متصلشان می‌کند.

تسبیح در ادیان و مذاهب مختلف مانند اسلام، رومن کاتولیک، مسیحیت ارتدکس، بودئیسم، هندوئیسم، سیخیسیم و بهایی برای شمردن عدد تسبیحات، ذکر و دعا، مناجات (و نیایش ها) بکار میرود.

همچنین از آنها برای مدیتیشن و عبادت، محافظت در مقابل انرژی های منفی و آرامش استفاده می کنند.

برخی از محققان پیدایش تسبیح را به ادیان مسیحیت و برخی دیگری از نویسندگان پیدایش تسبیح را به هندوئیسم نسبت میدهند ولی به احتمال تعداد زیاد از نویسندگان از دین مسیحیت به سایر ادیان راه یافته است.

عدد دانه های تسبیح در ادیان:

عدد دانه تسبیح مسلمانان معمولاً به 33 دانه یا 99 دانه (تعداد نامهای پروردگار، اسم از اسماء الحسنی) میرسد.

تسبیح بو داییها بنام (جاپا مالایا مالا) شهرت دارد و تعداد دانه های تسبیح شان معین نیست. اما تعداد تسبیح هندوهای برهن و سیخها معمولاً به (109) دانه بالغ میگردد. تسبیح مسیحیان بنام (رزاری) شهرت دارد، تعداد دانه های تسبیح مسیحیان کاتولیک و انگلیکان (یا به اصطلاح دانه های رزاری شان) از (54 دانه + 5 دانه اضافی تشکیل) گردیده است.

ولی تعداد دانه های تسبیح ویا رزاری مسیحیان ارتدکس ایرلند به (100) دانه میرسد، ارتدکس ها معمولاً از تسبیح، برای شمارش نمازگزاران از «تسبیحهای نذرانه» استفاده می‌کنند.

و طوری که گفته شد، تعداد دانه تسبیح شان به 100 دانه بوده، همچنان مسیحیان ارتدکس از طنابهای دعا (prayer ropes) که تعداد دانه های شان به 50 یا 33 دانه میرسد، نیز مورد استفاده قرار میدهند. قابل تذکر است که: رزاری اصلاً از کلمه لاتین رزاریوم (rosarium) گرفته شده و به معنی باغ رز میباشد.

تعداد دانه های تسبیح یهودان معمولاً به 32 دانه ویا 99 دانه میرسد. یهودان امروز در استعمال تسبیح تحت تاثیر مسیحیان قرار گرفته اند، اگرچه در بین یهودان استعمال تسبیح تقریباً از بین رفته و فقط در روز سبت (شنبه) که روز مقدس یهودان میباشد، عموماً تسبیح برای سرگرمی و وقت گذرانی و احیاناً برای سرگرمی مورد استفاده قرار میگیرد.

تسبیح اسلام:

محققان بدین باور اند که که مسلمانان به گمان اغلب تسبیح را از بوداییها ی هند گرفته باشند، ولی برخی دیگر از محققان بدین باور اند که مسلمانان تسبیح را از

مسیحیان به ارث گرفته اند.

آیا استفاده از تسبیح بدعت است :

در مورد اینکه تسبیح بخاطر ذکر و اذکار بخصوص بعد از نماز سنت است یا بدعت ، اکثریت مطلق از علماء، مفسران و در جمع اکثریت مطلق فقها و مجتهدین ، استفاده از تسبیح را برای ذکر کردن چه بعد از نماز باشد و یا هم در اوقات دیگر غیر نماز باشد بدعت و یا هم حرام نمیدانند ، ولی همه علماء در این مورد متفق القول حکم میفرمایند که : استعمال تسبیح خلاف سنت پیامبر صلی الله علیه و سلم میباشد، زیرا پیامبر صلی الله علیه و سلم ذکر خداوند مانند تسبیح، تحمید، تکبیر و غیره را با انگشتان دست راستش انجام میدادند.

و در حدیثی از پیامبر صلی الله علیه و سلم آمده است :

« اعقدن بالأنامل، فإنهن مسئولات، ومستنطقات ». (روایت احمد و اهل سنن)، یعنی:

« (ای زنان)، ذکر (الله) را با انگشتهایتان انجام دهید زیرا از آنها (در روز قیامت)

سؤال میشود و صحبت میکنند، یعنی شاهی بر کار خیر بنده در روز قیامت خواهد بود. همانطوریکه که گفته شد تسبیح بدعت دینی نیست چون انسان عبادت الله را با آن انجام نمی‌دهد، هدف از استفاده از تسبیح محفوظ نگه داشتن شمارش اذکار است. پس گفته میتوانیم که تسبیح وسیله است نه مقصود.

ولی همانطوریکه که گفته شد مسلمانان و بخصوص نمازگزاران به متابعت از سنت پیامبر صلی الله علیه و سلم، تسبیحات را باید با انگشتان خود بشمارد، طوریکه پیامبر صلی الله علیه و سلم در مورد با صراحت فرموده است « لِأَنَّهِنَّ مُسْتَنْطِقَاتٌ » ابوداود 1501 . «انگشتان سخن‌گو هستند» در روز قیامت شهادت می‌دهند.

عامل دیگری که از ذکر با تسبیح در شریعت اسلامی چندان توجه بدان بعمل نه آمده است، این میباشد که در اذکار با تسبیح ، انسان توجه اساسی خویش را به دانه های تسبیح و احياناً به صدای دانه های تسبیح متمرکز میسازد، ولی قلب، فکر، چشم و گوش اش به جای دیگری مشغول میباشد ، و فکر تکمیل عددی میباشد که توسط تسبیح برای اذکار خویش تعیین نموده است، بنا همه سعی و کوشش اش در اینست که ذکر تعیین شده خویش را پوره کند .

استفاده از تسبیح برای شمارش اذکار مانعی ندارد، ولی اگر اعداد آن تسبیح بگونه ای باشد که شخص بپندارد باید حتماً آن تعداد را شمارش نماید، در اینحالت عمل او بدعت است.

مثلاً نماز گزار همیشه در ذهن خویش این را در نظر میگیرد ، که تسبیح اش دارای 60 دانه میباشد ، بخاطر آنکه تعداد اذکار از یاد اش نرود کوشش بخرچ میدهد که هر بار باید ذکر سبحان الله 60 بار بزبان آرد ، نه کمتر و نه بیشتر از آن چرا که اذکار مقید به عدد معینی تسبیح 60 دانی گردیده است ، در حالیکه تعیین عدد و مقید ساختن این عبادت به ارقام ، در دین مقدس اسلام بدعت میباشد ، زیرا محدود کردن ذکر سبحان الله به عدد شصت در شریعت وارد نشده است، ولی اگر فردی حساب را فراموش می کند، او می تواند تسبیحی با 33 دانه در اختیار داشته باشد تا هر بار پس از نمازهای فرض اذکار (سبحان الله) و (الحمد لله) و (الله اکبر) را یک دور بخواند. ولی طوریکه که

گفته شد برای شخص مسلمان لازم تا به پیروی از سنت عملی پیامبر صلی الله علیه وسلم بهتر با دستهایش اذکار را بشمارد.

همچنان ملاحظه فرموده باشید که آنچه از کسانی که ذکر را صرف توسط دانه های تسبیح انجام میدهد، صرف در زبان مصروف گفتن اذکار میباشد، و قلب اش طوریکه لازم از ذکر اذکار غافل میماند و یا بدون اهتمام و توجه قلبی این اذکار صورت میگیرد، ولی در ذکر با انگشتان توجه و اهتمام قلب در اذکار بیشتر حاصل میگردد.

سومین مسئله ای که علما در ذکر با انگشت بدان تاکید میورزند اینست که در ذکر با تسبیح ریا بعمل می آید. هستند افرادی که چون ذکر را دوست دارند يك تسبیح با دانه های صدا دار با خود داشته میباشد برای دیگران در، زبان حالشان میگوید: نگاه کنید ما به اندازه همه این دانه ها الله تعالی را تسبیح می گوئیم. از الله تعالی آمرزش می خواهیم از این که ایشان را متهم کنیم ولی از این کار آنها واهمه میدارم.

با توجه به موارد ذکر شده مناسب است تسبیحات به انگشتان صورت گیرد و نه بر دانه های تسبیح.

مسئله دیگری که شایان ذکر می باشد این است که تسبیحات را باید با انگشتان دست راست شمارش نمود. بخاطر اینکه سنت عملی پیامبر صلی الله علیه وسلم این بود که با دست راست تسبیح می گفت. بدون شك دست راست از دست چپ بهتر است.

پیامبر صلی الله علیه وسلم از غذا خوردن و آشامیدن با دست چپ نهی کرده و انجام این کارها را با دست راست امر کرده است.

پیامبر صلی الله علیه وسلم می فرماید: « يَا غُلَامُ سَمِّ اللَّهَ وَكُلْ بِيَمِينِكَ وَكُلْ مِمَّا يَلِيكَ » (ای پسر! بسم الله بگو و با دست راست بخور و از جلوی خودت بخور). بخاری

5376 – مسلم 2022.

و می فرماید: « إِذَا أَكَلَ أَحَدُكُمْ فَلْيَأْكُلْ بِيَمِينِهِ، وَإِذَا شَرِبَ فَلْيَشْرَبْ بِيَمِينِهِ؛ فَإِنَّ الشَّيْطَانَ يَأْكُلُ بِشِمَالِهِ وَيَشْرَبُ بِشِمَالِهِ » (هر گاه انسان غذا می خورد با دست راست میل کند و هر گاه آب می نوشد؛ با دست راست بنوشد چرا که شیطان با چپ می خورد و می نوشد). لذا به خاطر پیروی از سنت پیامبر صلی الله علیه وسلم بهتر است که انسان با دست راست تسبیح بگوید.

پیامبر صلی الله علیه وسلم تمام کارهای مهم و حیاتی که دوست میداشت با دست راست انجام دهد؛ پوشیدن بوت ها، شانه زدن مو و غیره ...
خواهران و برداران محترم!

با دلایلی مؤجز که در فوق تذکر رفت حکم اسلامی اینست که، ذکر با تسبیح در دین مقدس اسلام بدعت نیست. چون منظور از بدعت.... بدعتی است که در دین باشد و هدف از ذکر با تسبیح، محفوظ نگه داشتن عدد تسبیحات است که تسبیح برای این کار وسیله مناسبی است. اما در در ضمن گفته شد که شماریدن اذکار با انگشتان سنت و بهتر است.

ولی برخی از علما و فقها استفاده از تسبیح را برای شماریدن اذکار بخصوص بعد از نماز، چون این عمل توسط پیامبر صلی الله علیه وسلم و اصحاب کبار صورت نگرفته، آنرا بدعت دانسته و چنین استدلال مینمایند.

تسبیح بدعت است:

در روایت اسلامی آمده است :
که عمرو بن یحیی می گوید: از پدرم شنیدم که از جدم حکایت می کرد که او گفت: ما قبل از نماز صبح بر دروازه منزل عبدالله بن مسعود رضی الله عنه (صحابی گرانقدر پیامبر صلی الله علیه وسلم) می نشستیم تا اینکه او بیرون می آمد و همراه با او به مسجد می رفتیم، در یکی از روزها که کنار دروازه ایشان به انتظار نشسته بودیم، ابو موسی اشعری به نزد ما آمد و پرسید: ابو عبدالرحمان تاکنون بیرون نیامده است؟ گفتیم: خیر، او نیز با ما منتظر ماند تا اینکه عبدالله بن مسعود رضی الله عنه خارج شد و همه برخاستیم و نزدش رفتیم، ابو موسی رضی الله عنه به او گفت: ای ابو عبدالرحمان، اندکی پیش در مسجد امری ناآشنا مشاهده کردم و البته بحمد الله چیزی جز خیر ندیدم.
-ابن مسعود رضی الله عنه: چه دیدی؟

-ابو موسی رضی الله عنه: اگر زنده ماندی خود نیز آن را خواهی دید، مردمی را دیدم که در مسجد حلقه زده و به انتظار نماز نشسته بودند و سنگریزه هایی در دست داشتند و در هر حلقه ای شخصی با صدای بلند می گفت: صدمرتبه لاله الا الله بگوئید و آنها نیز می گفتند، و سپس می گفت: صدمرتبه سبحان الله بگوئید و آنها نیز می گفتند.

-ابن مسعود رضی الله عنه: تو به آنها چه گفتی؟

-ابو موسی رضی الله عنه: چیزی نگفتم، به انتظار نظر و امر تو ماندم.

-ابن مسعود رضی الله عنه: چرا به آنها نگفتی تا بدیهای خود را بشمارند؟ و به آنها ضمانت ندادی که از خوبیهایشان چیزی کم نمی شود؟

عبد الله بن مسعود رضی الله عنه به راه افتاد و ما نیز همراه او حرکت کردیم تا اینکه نزد یکی از آن حلقه ها آمد و کنار آنان ایستاد و پرسید: مصروف چه کار هستید؟
گفتند: ای ابو عبدالرحمان، با این سنگریزه ها اذکار و تسبیحات را می شماریم.

-ابن مسعود رضی الله عنه: بهتر است بدیهای خود را بشمارید من ضامن هستم که از نیکی های شما چیزی کم نشود، وای بر شما، ای امت محمد، چه زود دارید هلاک می شوید، یاران پیامبر شما در همه وجود دارند، لباسهای پیامبر صلی الله علیه وسلم تا کنون کهنه نشده و ظرفهایشان هنوز نشکسته اند، سوگند به خدایی که جانم در دست اوست، یا شما بر دینی برتر از دین محمد هستید و یا اینکه گشایندگان دروازه ضلالت و گمراهی هستید.
ای ابو عبدالرحمان: والله، ما اراده ای جز خیر نداشتیم.

-ابن مسعود رضی الله عنه: چه بسیاریند افرادی که اراده خیر دارند اما به آن نمی رسند، رسول الله صلی الله علیه وسلم به ما فرمودند: گروهی قرآن را می خوانند ولی قرائت شان از ترقوه (استخوان بالای سینه و زیرگردن) آنان نمی گذرد، سوگند به الله، نمی دانم شاید اکثر آن افراد از شما باشند.

سپس از آنان روی گردانید. عمرو بن سلمه می گوید: بیشتر افراد آن حلقه ها را دیدم که در جنگ نهروان همراه با خوارج، با ما می جنگیدند.

(یادداشت حدیث متذکره از جمله احادیث صحیح بوده مراجعه شود به سنن دارمی حدیث شماره 210، مجمع الزوائد هیثمی ج 1/ص 181، السلسلة الصحيحة للالبانی، حدیث شماره 2005) .

این روایت در بر گیرنده ی اصول و قواعد بزرگی به شرح زیر است که تنها کسانی که از سنت پیامبر (صلي الله عليه وسلم) پیروی کرده و از دستورات خدا و رسولش سر پیچی نمی کنند از آن آگاهی می یابند:

1- علماء میگویند: کسیکه غایت و هدف را تشریح کرده، وسیله را هم فراموش نکرده است: مثلاً وقتی که الله «ذکر» را تشریح کرده وسیله آن را هم فراموش نکرده است. طوریکه در فوق تذکر دادیم که پیامبر صلي الله عليه وسلم با (بندهای) انگشتان دست و انهم انگشتان دست راست خود تسبیحات را حساب می کرد و می گفت: «این (بند)ها در روز قیامت شهادت می دهند.»

2- بدعت اضافی گمراهی است، و آن بدعتی است که اصل آن مستند به دلیلی است ولی کیفیت و روش آن غیر مستند است. این نوع بدعت را بدعت اضافی نامیده اند؛ چون نه بطور کامل مخالف سنت است و نه بطور کامل با آن موافقت دارد.

3- پروردگار ما تنها با روشهایی پرستش می شود که خود آنها را تشریح کرده است و نه از روی هوا و عاداتها و بدعتها.

4- بدعت، سنت را از بین می برد. آن افراد بدعت گذار، روشی را برای تذکر اختراع کرده بودند که از نزد پیامبر صلي الله عليه وسلم روایت نشده بود و با این کار سنت پیامبر (صلي الله عليه وسلم) را از بین بردند. و این اصلی است که سلف صالح آنرا فهمیده و به یقین دریافته اند که بدعت و سنت با هم جمع نمی شوند. تابع گرانقدر، حسان بن عطیه (رضي الله عنه) گفته است: «ما ابتدع قوم بدعة في دينهم، إلا نزع من سنتهم مثلها»

«هر ملتی که بدعتی را در دین خود ایجاد کند، سنتی همانند آن از آنان گرفته می شود» (دارمی با سند صحیح)

5- بدعت باعث نابودی می شود؛ چرا که بدعت منجر به ترک سنت می شود و این گمراهی بزرگی است. صحابی گرانقدر عبد الله بن مسعود (رضي الله عنه) گفته است: «ولو تركتم سنة نبيكم للظلمت» «اگر سنت پیامبرتان را رها کنید، گمراه می شوید.» (مسلم)

و اگر امتی گمراه شده، نابود می شود. و به همین علت بود که عبد الله بن مسعود به آن حلقه های ذکر گفت: «وای بر شما ای امت محمد! هلاک و نابودی شما چقدر سریع است!»

6- بدعت پیک کفر است؛ چرا که شخص بدعت گذار در واقع خود را قانون گذار و نظیر خدا قرار داده و خواسته است که احکام احکم الحاکمین را از سر بگیرد و پنداشته است که وی بر آیینی بهتر از دین محمد صلي الله عليه وسلم است.

7- بدعتها باب اختلاف که باب گمراهی است را باز می کنند. و هر کس بنیان گذار سنت بدی در اسلام باشد گناه آن و گناه هر کس که بدان عمل کند تا روز قیامت بر عهده ی وی خواهد بود بدون این که از گناه آنان چیزی کم شود؛ چون کسی که مردم را به شر و بدی راهنمایی می کند، همانند انجام دهنده آن است.

8- کم اهمیت جلوه دادن بدعت ها منجر به فسق و نافرمانی می شود؛ مثلاً همان افرادی که در حلقه های ذکر مرتکب بدعت شدند، بعدها در جنگ نهروان بر علیه

اصحاب پیامبر (صلي الله عليه وسلم) و سرکرده ي آنها امير المؤمنين علي بود جنگ کردند و در نهایت امير المؤمنين علي آنان را ریشه کن کرد. یکی از علمای اسلامی به نام حسن بن علي بر بهاری از یاران امام احمد بن حنبل (رحمه الله) گفته است:

«از بدعتهاي کوچک پرهیز که بدعت کوچک به بدعتهاي بزرگ تبدیل می شوند. و هر بدعتي که در امت به وجود آمده است، در ابتدا کوچک و شبیه حق بوده و شخص بدعت گذار فریفته آن شده و بعداً نتوانسته است از آن بیرون بیاید و در نتیجه بدعت بزرگ شده و به دین شخص بدعت گذار تبدیل شده است و بدین ترتیب شخص بدعت گذار با راه راست مخالفت کرده و از اسلام خارج شده است. پس از هر کسی که یک سخن در امور دینی بشنود، نباید عجله بخرچ دهد که بدان عمل کند باید در مورد تحقیق کند، صحت و سقم آنرا در یابد و تحقیق نماید که: آیا یکی از اصحاب پیامبر (صلي الله عليه وسلم) یا یکی از علماء در این زمینه سخني گفته است یا نه. پس اگر اثری از آنان را دیدی به آن تمسک کن و گرنه از آن بگذر تا وارد آتش جهنم نشوی.»

(قاضي محمد بن أبي يعلي، طبقات الحنابلة، بیروت، دار المعرفه، جلد 2، صفحه 19-18).

9- ابن قيم الجوزیه در مدارج السالکین میفرماید:

اعمال نیک به نیات نیک بستگی دارد ولي نیت نیک هیچ باطلی را به حق تبدیل کرده نمی کند؛ چون نیت به تنهایی برای تصحیح عمل کافی نیست بلکه علاوه بر آن باید آن عمل مطابق با شریعت هم باشد.

(مواخذ: ابن قيم الجوزیه، مدارج السالکین، بیروت، دارالکتاب عربی، ج 1، صفحه 85).

10- زیاده روی در کار نیک خوب نیست بلکه بد است. و این، امری است که در هر چیزی مشاهده می شود؛ چون هر چیزی که از حد خود گذشت به ضد خود تبدیل می شود؛ مثلاً شجاعت اگر از حد خود بگذرد به بی باکی و بی پروایی و اگر از حد خود کمتر شود به ترس تبدیل می شود. هم چنین کرم و بخشش اگر از حد خود بگذرد به اسراف و تبذیر تبدیل می شود و اگر از حد (متعارف) خود کمتر شود، بخل و خست به حساب می آید پس بهترین کارها حد متوسط آن ها است.

عبدالله بن عمر رضي الله عنهما از مرد که عطسه کرده بود، شنید که گفت: «الحمد لله و الصلاة والسلام علي رسول الله» پس عبدالله بن عمر رضي الله عنهما به او گفت: پیامبر صلي الله عليه وسلم این چنین به ما یاد نداده است بلکه فرموده است: «ما هكذا علمنا رسول الله (صلي الله عليه وسلم) بل قال: إذا عطسأ حد کم فليحمدالله، و لم يقل: و ليصل علي رسول الله»

«هر گاه یکی از شما عطسه کرد، حمد و ستایش خدای را بجا بیاورید و بگوئید الحمد لله نفرموده که بر رسول خدا هم صلوات بفرستید.» (ترمذی)

از سالم روایت شده که گفت: «با(عبدالله) ابن عمر رضي الله عنهما در مسجد نشسته بودم که مردی شامی آمد و از او درباره ی حج تمتع سؤال کرد.

ابن عمر گفت: کار خوبی است. (مرد شامی) گفت: ولي پدر شما از آن نهی می کرد. (ابن عمر رضي الله عنهما) گفت: وای بر تو! آیا اگر پدر من از آن نهی کرده است در حالی که رسول الله صلي الله عليه وسلم آن را انجام داده و به آن دستور داده است، به گفته پدر من عمل می کنی یا به دستور رسول الله صلي الله عليه وسلم؟

(مرد شامي) گفت: به دستور رسول الله صلي الله عليه وسلم عمل مي كنم. (ابن عمر رضي الله عنهما) گفت پس بلند شو و برو! «
(طحاوي در كتاب «شرح المعاني الآثار» با سند صحيح آن را روايت کرده است)
نمونه هاي كه بيان شد فوائد زير را در بر دارد:
اصحاب پيامبر صلي الله عليه وسلم هر گونه مخالفت با سنت صحيح پيامبر (صلي الله عليه وسلم) را رد کرده چه بسا ايشان سخت گيري زيادي مي کردند هر چند مخالفان سنت، پدران، فرزندان و علمائشان بوده باشند.

والله اعلم بالصواب

ماخذها :

قابل تذکر است که در روايات تاريخی آمده است که : بی بی فاطمه برای اذکار و تسبیحات خویش نخ با 34 گره داشت وبعد از نماز (33 سبحان الله) و (33 الحمد لله) و (33 بار الله اکبر) وسایر تسبیحات را بعمل میآورد .

1- احادیث نبوی

2- مجموع فتاوی شیخ ابن باز

3- دروس دینی و فتاوی و بیانات شیخ امین الله (پشاورى)

4-مجموع فتاوی شیخ ابن عثيمين و شیخ ابن جبرین

تسبیح در شریعت اسلامی

تتبع و نگارش :

امین الدین « سعیدی- سعید افغانی »

مدیر مرکز مطالعات ستراتژیکی افغان و

مسؤل مرکز فرهنگي دحق لاره - جرمني

ادرس ارتباطي : بريننا ليک :

saidafghani@hotmail.com

**Get more e-books from www.ketabton.com
Ketabton.com: The Digital Library**